

درآمدی بر تفکر انتقادی

حسن قاضی مرادی



نشر اختران

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
فصل اول- تعریف و اهمیت تفکر انتقادی	۲۷
فصل دوم- اصول تفکر انتقادی	۴۷
۱-۲- جسارت و پایداری در اندیشه‌ورزی	۵۰
۲-۲- خود-انگیختگی در تفکر	۵۶
۳-۲- مشارکت فکری	۶۰
۴-۲- تعامل عقل و عاطفه در تفکر انتقادی	۶۵
۵-۲- شکاکیت	۷۰
۶-۲- اعتماد به عقل انسان	۷۶
فصل سوم- مهارت‌های تفکر انتقادی	۸۱
۱-۳- تعبیر و تفسیر	۸۵
۲-۳- تحلیل	۱۰۰
۳-۳- ارزشیابی	۱۱۳
۴-۳- استنتاج	۱۲۶
۵-۳- توضیح	۱۴۰
۶-۳- خود-تنظیم‌گری	۱۵۰
فصل چهارم- ویژگی‌های اندیشمند انتقادی	۱۶۱
۱-۴- کنجکاوی	۱۶۶
۲-۴- ذهن باز	۱۷۲
۳-۴- حقیقت‌جویی	۱۷۸
۴-۴- انصاف	۱۸۴
۵-۴- تحلیل‌گری	۱۹۳
۶-۴- انتظام فکری	۱۹۸

۲۰۴	۷-۴- اعتماد به خود
۲۱۰	۸-۴- بلوغ فکری (خردمندی)
۲۱۷	فصل پنجم- اصول تفکر غیرانتقادی
۲۲۱	۱-۵- بزدلی و تنبلی فکری
۲۲۷	۲-۵- مرجعیت باوری
۲۳۳	۳-۵- خود-مرکزی و جمع-مرکزی
۲۴۰	۴-۵- رویکرد احساسی - عاطفی
۲۴۷	۵-۵- مطلق اندیشی و نسبی گرایی
۲۵۳	۶-۵- بی اعتمادی به عقل انسان
۲۵۹	فصل ششم- ویژگی های اندیشمند غیرانتقادی
۲۶۱	۱-۶- بی تفاوتی
۲۶۷	۲-۶- ذهن بسته
۲۷۵	۳-۶- حقیقت‌گریزی
۲۸۳	۴-۶- بی انصافی
۲۹۰	۵-۶- کتره‌ای اندیشی
۲۹۷	۶-۶- پریشان‌اندیشی
۳۰۴	۷-۶- بی اعتمادی به خود
۳۱۰	۸-۶- نابالغی در اندیشه‌ورزی
۳۱۷	فصل هفتم- مغالطه‌های تفکر غیرانتقادی
۳۲۴	۱-۷- مغالطه‌های مرتبط با اصول تفکر غیرانتقادی
۳۴۲	۲-۷- مغالطه‌های مرتبط با ویژگی های اندیشمند غیرانتقادی
۳۶۴	۳-۷- مغالطه‌های مرتبط با به کار بردن اشتباه مهارت های تفکر انتقادی
۳۹۱	پی‌گفتار: حماقت و دانایی
۳۹۲	- حماقت
۴۱۲	- دانایی
۴۳۱	منابع فارسی
۴۳۳	منابع انگلیسی

پیش‌گفتار

انسان موجودی است که درباره‌ی آنچه در پیرامون یا درونش می‌گذرد می‌اندیشد و داوری می‌کند. اما بسیاری از ما نمی‌دانیم دانشی که به اتکای آن، رویدادها و موضوعات را درک و درباره‌ی شان داوری و ابراز عقیده می‌کنیم چگونه در ما شکل گرفته است؛ همان دانشی که تمایل داریم بدیهی بینداریم. پس، به‌طور معمول، به آنها شک نمی‌کنیم. گرایش داریم در مواجهه با هر موضوع و وضعیتی همان‌گونه بیندیشیم و داوری کنیم و تصمیم بگیریم که تا پیش از آن می‌اندیشیدیم، داوری می‌کردیم و تصمیم می‌گرفتیم. چه بسیار از ما نمی‌دانیم در ذهن ما چه می‌گذرد که در پی آن به داوری و عقیده یا موضوعی درباره‌ی موضوع و مسئله‌ای می‌رسیم؛ تمایلی نیز نداریم که بدانیم.

اما جلوه‌ها و نتایج این ناآگاهی‌ها و رویکردها چیست؟ برای نمونه:

- معمولاً نخستین داوری خود را درست‌ترین داوری می‌دانیم. وقتی نیز تصمیمی که بر مبنای این داوری گرفته‌ایم غلط از کار درآمد علت را در عوامل بیرونی جستجو می‌کنیم تا مجبور نشویم داوری خود را خطا بخوانیم. چشم بر اغراض و محدودیت‌های فکری خود می‌بندیم و ادعا می‌کنیم که اگر چنین و چنان می‌شد حتماً تصمیم درست ما به نتیجه می‌رسید. دیگر به این نمی‌پردازیم که پیش‌تر فکر کرده بودیم: «بالاخره یک طوری می‌شود دیگر»؛ یا حتی: «هرچه بادا باد.»

- اغلب آماده‌ایم تا به بهانه‌ای از گفتار، رفتار و عقاید دیگران انتقاد کنیم. آماده‌ایم روی نقاط ضعف آنان انگشت بگذاریم. اما هرگز مسئولیت اشتباه‌ها و نقاط ضعف خود را نمی‌پذیریم. پس چون به خاطر اینها از ما انتقاد شود به راحتی می‌گوییم: «من همینم که هستم!»، «من این طوری بزرگ شده‌ام. نمی‌توانم که خودم را عوض کنم.» «تو باید می‌دانستی با کی طرف هستی» و...

فصل اول

تعریف و اهمیت تفکر انتقادی

انسان در جهان رویاروی داده‌ها و اطلاعات^۱ قرار می‌گیرد. زیستن انسانی، از یک منظر، به معنای «پردازش» داده‌ها و اطلاعات است. امروزه به علت «انفجار بزرگ» داده‌ها و اطلاعات در فضای مجازی بی‌وقفه در حال گسترش، پردازش دقیق اینها هرچه دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود؛ داده‌ها و اطلاعاتی که اگر آگاهانه پردازش نشوند جز به اضطراب، سراسیمگی، ابهام، پریشان‌اندیشی، ندانم‌گرایی، بی‌عملی و... نمی‌انجامند. داده‌ها و اطلاعات پردازش نشده برهم انباشته می‌شوند. انباشتگی داده‌ها و اطلاعات، دانایی نیست. اولین گام رسیدن به دانایی پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات است.

پرسشگری: قلب تفکر انتقادی

نخستین گام در جهت پردازش منطقی داده‌ها و اطلاعات، پرسشگری است؛ پرسش از دقت، اعتبار و قلمرو داده‌ها و اطلاعات. حجم وسیعی از داده‌ها و اطلاعاتی که حتی به صورت تصویر، امروزه پخش می‌شوند نادقیق، نامعتبر و در بسیاری مواقع دروغ‌اند. پس اندیشیدن به معنای تفکر پردازش‌کننده با پرسیدن آغاز می‌شود. این سنگ‌بنای تفکر انتقادی است.^۲ به روند تفکر انتقادی روی

1. data - information

این دو با یکدیگر متفاوتند. با این حال، در این رساله، این دو را در یک سطح به کار می‌برم.
۲. ریشه‌ی کلمه‌ی «انتقاد» کلمه‌ی یونانی (kritikos) به معنای پرسیدن، سردرآوردن و قابلیت تحلیل است.

تصمیم‌گیری به نتیجه‌ای که می‌خواهم می‌رسم؟ اگر به نتیجه‌ی موردنظرم نرسم چه پیش می‌آید؟ چه موقعیت‌هایی را می‌توانم به تصور آورم که شناخت و داوری موجود من، غلط و تصمیم اشتباه باشد؟ آیا به داده‌ها و اطلاعات دیگری نیاز دارم تا بتوانم به داوری و تصمیم صحیح‌تری برسم؟ آیا در موقعیتی قرار دارم که تشخیص دهم داوری‌ام نسبت به موضوع مورد بررسی‌ام درست است؟ آیا موضوع یاددغه‌ای که با آن درگیرم واقعاً موضوع و دغدغه‌ی من است یا من با انتخاب آن نشان می‌دهم درک نادرستی از جایگاه خود دارم و از دیگران دنباله‌روی می‌کنم؟ آنچه با آن درگیر شده‌ام تا چه حد برایم اهمیت دارد؟ آیا حاضریم پیش از تصمیم‌گیری نظر انتقادی دیگران را در مورد داوری‌ام بپرسیم؟ آیا به این فکر می‌کنم که نتیجه‌ی تصمیم بر دیگران چیست؟ به پشتوانه‌ی چه باورها و معتقداتی به این یا آن داوری در مورد مشکل خود رسیده‌ام؟ چه استدلال‌هایی برای درستی داوری خود دارم؟ چه استدلال‌هایی وجود دارند که داوری و تصمیم را رد می‌کنند؟ آیا داده‌ها و اطلاعات را آن‌گونه که دلخواه‌ام است تعبیر و تفسیر نمی‌کنم؟ استنتاج‌هایم تا چه حد بر خود واقعیته‌ی داده‌ها و اطلاعات متکی است؟ آیا استنتاج‌های من متأثر از جانبداری، غرض‌ورزی، منفعت‌طلبی یا اصلاً خود-فریبی نیستند؟ اصلاً آیا این درست‌ترین پرسشی است که می‌توانم درباره‌ی دغدغه و مشکل خود بپرسیم؟ آیا پرسش‌های مهم‌تری وجود دارند؟ و...

پس پرسیدن فقط به پرسش از چیزهای موردنظر محدود نمی‌شود؛ بلکه پرسش از چگونگی اندیشیدن را نیز دربرمی‌گیرد. پرسشی که نشانه‌ی چگونگی پردازش داده‌ها و اطلاعات است به پرسشی می‌رسد نسبت به چگونگی اندیشیدن ما، نسبت به پاسخ‌های پیشین ما، نسبت به دلخواسته‌ها، اهداف و آرمان‌های ما. پاسخ به مجموعه‌ی چنین پرسش‌هایی، تفکر انتقادی را شکل

۱. در طرح این پرسش‌ها به دو مقاله‌ی زیر توجه داشته‌ام:

Paul, Richard and Elder, Linda; *The Critical Mind is a Questioning Mind, Learning How to Ask Powerful, Probing Question*, - Elder, Linda and Paul, Richard; *Becoming a Critic of Your Thinking* Foundation of Critical Thinking.

می‌آوریم از وقتی که شروع کنیم درباره‌ی داده‌ها و اطلاعات پیرسیم:

- آیا داده‌ها و اطلاعات دریافتی درباره‌ی موضوع مورد بررسی‌ام واقعاً برای

سنجش این موضوع ضروری است؟ اگر هست، چرا؟ اگر نیست، چرا؟

- آیا مأخذ و مرجع این داده‌ها و اطلاعات مستند و معتبر است و برای ارائه‌ی

آنها صلاحیت دارد؟

- آیا داده‌ها و اطلاعات درباره‌ی موضوع، جدید است؟ اگر نه، چگونه

می‌توان داده‌ها و اطلاعات جدید را یافت؟

- آیا دلخواست‌ها، اغراض، ناصداقتی، منافع یا موقعیت ذهنی ارائه‌دهندگان

داده‌ها و اطلاعات جایگزین واقعیت نشده‌اند؟

- آیا این داده‌ها و اطلاعات برای تبلیغ و اغواگری در جهت اهداف خاصی

تنظیم شده‌اند؟

- آیا اینها از منابع گوناگون‌اند یا فقط از یک منبع اخذ شده‌اند؟

-و...

وقتی واقعیت در ارتباط با ذهن انسان قرار بگیرد به داده و اطلاعات تبدیل

می‌شود. واقعیت نو، یعنی داده‌ها و اطلاعات نو به حیرت می‌انجامد. غلبه بر

اسارت حیرت فقط با به پرسش گرفتن آن، یعنی به پرسش گرفتن داده‌ها و

اطلاعات حیرت‌انگیز ممکن می‌گردد. شگفتی و حیرت که به پرسش تبدیل شود

روند تفکر انتقادی شروع می‌شود.

عرصه‌ی واقعیتی که ما را به حیرت و پرسش می‌کشاند از ابتدایی‌ترین

مسائل زندگی روزمره، کار، ارتباط با همسر و فرزندان تا گسترده‌ترین تحقیقات

علمی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. در چنین

عرصه‌ی گسترده‌ای اما، پرسشگری فقط به داده‌ها و اطلاعات محدود نمی‌ماند.

پرسش می‌گسترد و عمق می‌یابد؛ به پرسش از پاسخ‌ها، یعنی پرسش از باورها،

ایده‌ها و داوری‌های ما نیز می‌رسد. از پرسیدن اینکه این چیز چرا چنین چیزی

است، می‌رسد به اینکه چطور و چگونه است که این چیز رامی‌شناسم؟ چرا به

واسطه‌ی این آگاهی خود چنین تصمیمی گرفته‌ام؟ آیا با این آگاهی و